



این شرح بی نهایت...

کسی که مردم را مسخره می کند، نباید به دوستی خالصانه آنها چشم امید بندد. امام صادق (ع)

محمل جانان

جان به جانان کی رسد جانان کجاو جان کجا ذره است این، آفتاب است، آن کجاو این کجا دست ما گیرد مگر در راه عشقت جذبه‌ای ور نه پلای ما کجا وین راه بی پایان کجا ترک جان گفتم نهدام به پا به صحرای طلب تا در آن وادی مرا از تن بر آید جان کجا جسم غم فرسود من چون آورد تاب فراق این تن لاغر کجا بار غم هجران کجا در لب پلار است آب زندگی در حیر تم خضر می رفت از پی سرچشمه حیوان کجا چون جرس باناله عمری شد که ره طی می کند تا رسد هاتف به گرد محمل جانان کجا

هاتفافهانی



تقویم تاریخ

پایان محاصره نلین گراد

۷۱ سال پیش، برابر با بیست و هفتم ژانویه ۱۹۴۴ میلادی، محاصره شهر لنینگراد از سوی ارتش آلمان نازی پس از حدود ۹۰۰ روز پایان یافت. محاصره این شهر ۸ سپتامبر ۱۹۴۱ از زمانی که آخرین جاده ورودی به شهر مسدود شد، آغاز شده بود. گرچه نیروهای شوروی ۱۸ ژانویه ۱۹۴۳ موفق به باز کردن یک راه باریک برای ورود به شهر شدند، اما آزاد شدن شهر تا ۲۷ ژانویه ۱۹۴۴، یعنی بعد از ۸۷۱روز، به درازا کشید.

در گذشت مجتبی مینوی

۳۸سال پیش، برابر با هفتم بهمن ۱۳۵۵ خورشیدی، مجتبی مینوی ادیب، مورخ و نویسنده نامدار ایرانی در تهران در گذشت. مینوی که تحصیلکرده دارالفنون و همدرس صادق هدایت بود در سال ۱۳۰۷ پس از بازگشت از فرانسه به ریاست کتابخانه ملی منصوب شد. در سال ۱۳۳۸ در پی دعوت به کار از سوی دانشگاه تهران به ایران بازگشت و به تدریس در دانشکده ادبیات پرداخت. مینوی در سال ۱۳۴۸ از دانشگاه تهران بازنشسته شد و سرپرستی علمی بنیاد شاهنامه فردوسی را به عهده گرفت و تا پایان عمر به این کار ادامه داد.

کلید خوردن «آرگو»

۳۵سال پیش، برابر با بیست و هفتم ژانویه ۱۹۸۰ میلادی، ۶ دیپلمات آمریکایی که در زمان تسخیر سفارت این کشور در تهران، گر یخته و در سفارتخانه‌های دولت سوندو کانادا پنهان شده بودند، توانستند با گذر نامه‌های کانادایی از ایران خارج شوند. سازمان سیا برای انجام این کار چند تن از ماموران خود را در قالب سینماگرانی که در پی تولید فیلمی علمی- تخیلی با عنوان «آرگو» هستند به ایران فرستاد و آنان توانستند چند روز پس از ورود به تهران، این دیپلمات‌ها را با گذر نامه‌های جعلی از ایران خارج کنند. این اتفاق در ۲۰۱۲ دستمایه ساخت فیلمی ضدایرانی با عنوان «آرگو» به کارگردانی بن الفلک قرار گرفت.



شهر ونگ

گمشده‌ها

شادی کر دن در oneminute



شهرام شهیدی

طنزنویس

shahraam_shahidi@yahoo.com

در گزارشی در سایت تابناک خواندم که در آن رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران گفته رتبه شادی و نشاط ایران در میان ۱۵۷ کشور دنیا ۱۱۵ است. سایت فاروهم در گزارشی اعلام کرده بود شادی در خانواده‌های ایرانی گم شده. خب وظیفه ما چیست؟ بازگرداندن اشیایا و حس‌های گمشده. شادی را (شادی خانم‌ها فورا شاخ و شانه نکشند. منظورم از شادی یک نفر شاد است) بردند جهنم گفت‌ای جان چقدر سوژه‌واسه خندیدن هست. شما هم اگر شادباشیدمی‌تونایدبه مشکلاتتان بخندید. -شاد شدن در ایران خیلی کار سخت و پیچیده‌ای نیست. اولین راه ساده‌اش این است که تلویزیون خانه را روشن کنیدو روی هر کانالی هست مصاحبه یا مناظره یک مقام مسئول کشور را تماشا کنید. این‌قدر دیدن این مصاحبه‌ها مفرح است که شما گاهی از تل به گفته‌های دوستان می‌خندید و قهقهه می‌زنید.

-پدرم قلبش تیر می‌کشید. رفت دکتر. نوار قلب داد. تست ورزش داد. آنژیو، اسکن، آزمایش خون و... خدا را شکر، بزم به تخته همه چیز خوب و طبیعی بود. پدرم به دکتر گفت آقای دکتر این آزمایش‌ها درست اما قلب من که واقعا تیر می‌کشه. پس چشه؟ دکتر گفت: شما زیاد مطالعه می‌کنید؟ اخبار می‌بینید؟ روزنامه زیادی می‌خوانی؟ پیگیر اخبار داعش و آمریکا و ترور و گرانی و آلودگی و ... هستی؟ همه جواب‌ها مثبت بود. دکتر گفت نخوان، نبین، گوش نکن ، نشنو، نگو. .. همه چیز درست می‌شود. مدتی پدرم به این توصیه عمل کرد و آلان قلبش تیر نمی‌کشد. پس می‌بینید که تحصیلات و دانایی و



داستانه

قدرت کلمات

روزی از روزها گروهی از قورباغه‌ها تصمیم گرفتند با هم مسابقه شنا بدهند. هدف مسابقه حرکت در خلاف مسیر یک رودخانه خروشان بود. جمعی زیادی برای دیدن مسابقه و تشویق قورباغه‌ها جمع شده بودند. بالاخره مسابقه شروع شد. از میان تماشاگران هیچ کس باور نداشت که قورباغه‌های به این کوچکی بتوانند به انتهای مسیر رودخانه برسند. کسانی که آنجا بودند می‌توانستند جمله‌هایی مثل این‌ها را از زبان بقیه بشنوند: «وِه،عجب کار مشکلی!»، «آن‌ها هیچ وقت به انتهای مسیر نمی‌رسند.» یا «هیچ شانسى ندارند. جریان آب خیلی شدیداست!» عاقبت خستگی بر قورباغه‌های کوچک غلبه کرد و آن‌ها یکی یکی از ادامه مسیر باز می‌ماندند، به جز بعضی که هنوز با حرارت شنا کرده و پیش می‌رفتند. جمعیت هنوز



فو کوس ...



✍موتسارت در حدود سال ۱۷۸۰ میلادی، در یک نقاشی[۲۵۹ سال پیش، برابر با بیست و هفتم ژانویه ۱۷۵۶ میلادی، ولفگانگ آمادئوس موتسارت، آهنگساز، موسیقیدان و از نوابع مسلم موسیقی کلاسیک در شهر سالزبورگ اتریش به دنیا آمد. موتسارت در زندگی کوتاه خود بیش از ۶۰۰ قطعه موسیقی برای اپرا، سمفونی، کنسرتو، مجلسی، سونات و گروه‌گر آفرید. او در سومین سال از زندگی اش شروع به آهنگسازی کرد و در ۵ سالگی لقب کودک نابغه به او داده شود و همه جای اروپا شهرت بسیاری یافت. در ۷ سالگی اولین سمفونی، و در ۱۰ سالگی اولین اپرا ی کامل خود را نوشت. برخلاف هر آهنگساز دیگری، او در تمام از ان‌های مرسوم در دوران زندگی اش موسیقی تصنیف کرد و در این زمینه از همه برتر بود. موتسارت حدود یک ساعت پس از نیمه شب پنجم دسامبر سال ۱۷۹۱ در ۳۵سالگی در گذشت.



| سلمان طاهری | کارتنیست | salmantaheri@gmail.com

کار تون شهر

انحصار ۷۰ درصدی واردات خودرو در اختیار یک واردکننده



حرف روز

واقیعت مجازی!

| بردیاراستین | مترجم |

اجتماعی) مهر طلب بود؟ آیار ماتنتیک‌نویسی آبی بر آتش مهرطلبی نیست؟ در واقع شاید بهتر باشد این‌طور بگوییم که برخی با این نیت سراغ جهان مجازی می‌روند که از رنج‌های درون گریخته و آرامشی را تجربه کنند که در جهان واقعی کمتر می‌توان سراغش را گرفت. البته همین‌جا باید اذعان کرد که رنج «واقعی»! احتمالاً آرامش «مجازی»! چاره نخواهد کرد. از هیچ‌چون‌عش. شاید تنها چاره برای گریز از رنج این است که آن را بتوان شناخت و از کم و کیف آن باخبر شد. ظاهراً این نتیجه‌گیری بدبینانه‌ای است اما در واقع این چنین نیست. این به تکت‌ک کاربران باز می‌گردد که با چه انگیزه‌ای سراغ دنیای مجازی می‌روند؟ آیا آن را درمان می‌دانند یا مسکن؟ یا هیچ کدام؟ در واقع چقدر لازم است این را از خود ببرسیم که چه تعریف شخصی از جهان مجازی داریم؟ چرا سراغش می‌رویم؟ مگر چقدر اطلاعات نیاز داریم که باید این جهان را برای یافتن «سرچ» کنیم؟ هدف ما چیست؟ دنبال چه چیزی هستیم که در دنیای واقعی پندمانی شود اما تا دلالت نخواهد نمونه مجازی اش به وفور یافت می‌شود؟... و هزاران سوال دیگر.

دبروز برخی از دوستانم است: «عاشق را تنها عاشق می‌شناسد»، «هرگز انتظار ندارم مهرانقدر دوست داشته باشی که دوستت دارم»، «زمانی که به نام عشق، تنفر می‌آفرینیم و به نام زندگی، مرگ...». «من شیشه‌نیستیم که بدست تو بشکنم»، «هیچ‌گامه ویاها به حقیقت نمی‌پیوندند»... و در واقع سوال اینجاست که چنین بر خورد‌های رمانتیکی آیا نتیجه مستقیم گریز از واقعیت‌های جاری در زندگی روزمره نیست؟ آیا این حجم از رمانتیک بودن نتیجه مستقیم چنین تفکری نیست که هر جا حس کردی گوشی هست، می‌شود ناگهان عوض شد. وقتی در میان مردم عادی هستی، کسی به حرف دلت گوش نمی‌دهد. اما اینجاست که کسی تو را نمی‌شناسد. در چنین جایی هر چه می‌خواهد دل تگت بکشد، الان فرصت خوبی است که سری توی سرها درآوری. ناخودآگاهت را بریز بیرون. سبک می‌شوی. درمان می‌شوی...

آیا چنین واکنش‌هایی به یک معنا طبیعی نیستند؟ آیا کسی مکلنیم بهتری برای رهایی از تنهاماندن سراغ دارد؟ آیا بخشین واکنش برخی که از تنهایی رنج می‌برند، همین نیست که می‌توان در جهانی «فرضی» و جمعی (جهان مجازی شبکه‌های

به مصداق مُثل قدیمی جنگ اول به از صلح آخر، باید عرض کنم یا ذکر تعداد دوستانم قصد ندارم کمیت‌شان را به رخ کشم. خوب که دقت می‌کنم، این تعداد دوست – یعنی چیزی نزدیک به هزار نفر – شاید جنگی به دل هیچ‌کسی هم نزنند. دل‌یلش ساده است؛ آن‌ها ترکیبی از دوستان واقعی و مجازی‌اند. افراد در جهان‌های مجازی معمولاً هویت و جنسیت خود را تغییر می‌دهند. در واقع به جز آن‌هایی که از پیش می‌شناسیم و با آن‌ها مروده داشته‌ایم به هیچ یک از «دوستان» دیگر نمی‌شود اطمینان کرد که «خود خودشان» باشند. پنهان کردن هویت واقعی همواره یکی از جذاب‌ترین دلایل ورود به جهان مجازی در اینترنت بوده و هست. سر و کار داشتن با دوستان مجازی – که هیچ وقت حضوری جدی و واقعی در زندگی شما ندارند – درست مثل این است که شما را وسط یکی از این سریال‌های علمی – تخیلی انداخته باشند. چیزی تاپ می‌کنی و از آن سسو آدم‌های ناشناس و ناشناخته پاسخ می‌دهند. شعرها و تصاویری رد و بدل می‌شود که در موارد بسیاری به شدت رمانتیک هستند! می‌گویید نه؟! این‌ها دستپخت

آرژوهان را

آرگ -۲	اردبیل -۷	ارومیه ۵	اصفهان ۳	اهواز ۱۳	ایلام ۶	بجنورد -۲	بندرعباس ۲۶ ۱۵
بوشهر ۱۹ ۱۲	بیرجند ۷	تبریز ۴ -۳	تهران ۱۲ ۲	خرم‌آباد ۱۰	زاهدان ۱۹ ۱۲	زنجان ۱ -۳	سندج ۶
شهرکرد ۲ -۵	قزوین ۷ -۲	کرمانشاه ۱۰ ۴	کرمان ۹ ۵	گرگان ۶ ۴	رشت ۷ -۲	ساری ۷ -۳	کرج ۲ -۱
شیراز ۱۷ ۱	سمنان ۶ ۷	همدان ۱۰ -۲	قم ۹ ۱	مشهد ۵ -۲	یاسوج ۷ ۳	یزد ۱۳ ۳	ایرومسی ۲۱ ۱۸

هوای تهران طی روز پنجشنبه این هفته بین ۳ تا ۱۰ درجه بالای صفر بوده و نقشه‌های هواشناسی نشان می‌دهند، آسمان تهران در این روز قسمتی ابری به تدریج ابری و اوایل شب همراه با بارش باران، برف و وزش باد خواهد بود. در شبانه روز گذشته بندرعباس مرکز استان هرمزگان با بیشینه دمای ۲۶ درجه سانتیگراد گرم‌ترین و شهرکرد مرکز استان چهارمحال و بختیاری با کمینه دمای منفی ۵ درجه سانتیگراد سردترین شهرهای کشور طی ۲۴ ساعت گذشته بوده‌اند. طی روزهای گذشته استان‌های آذربایجان غربی و چهارمحال و بختیاری، سردترین استان هرمزگان، گرم‌ترین استان‌های ایران بودند.

پیدا می‌کند و به تدریج این سامانه تا پایان روز جاری از کشور خارج می‌شود. همزمان با این پدیده هواشناسی موج ضعیفی سبب بارش‌های پراکنده در برخی از نقاط شمال غرب و به تدریج در دامنه‌های البرز مرکزی می‌شود و از امروز بارش‌های پراکنده علاوه بر شمال غرب و دامنه‌های البرز، در شمال شرق نیز دور از انتظار نخواهد بود.

کمینه و بیشینه هوای تهران امروز به ۲ تا ۱۲ درجه بالای صفر می‌رسد و نقشه‌های هواشناسی نشان می‌دهند، آسمان تهران در این روز قسمتی ابری در بعضی از ساعات همراه با افزایش ابر و وزش باد به تدریج با کاهش خواهد بود. کمینه و بیشینه